

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

DER SPIEGEL

تلاش برای بازگرداندن پول‌های بلوکه‌شده

ایران قصد دارد به میلیارد‌ها دلار پول دسترسی پیدا کند. این دارایی‌ها در حال حاضر در حساب یکی از شرکت‌های وابسته به بورس آلمان ذخیره شده‌است و در طول سال‌های گذشته به دلیل تحریم‌ها در این حساب فریز شده‌بود. اشنیگل دریافت‌است که تهران دست‌کم تلاش‌های اولیه را برای دسترسی به بخشی از این دارایی‌ها که مجموع آن ۴/۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود، آغاز کرده‌است. بخشی از اوراق بهادار متعلق به بانک مرکزی ایران در موسسه‌ای به نام کلی‌یر استریم در لوکزامبورگ نگهداری می‌شود. بخشی دیگر از این اوراق بهادار هم در یک بانک ایتالیایی نگهداری می‌شود. کلی‌یر استریم کلیه حساب‌های مرتبط با بانک مرکزی ایران را مسدود کرده‌است. کارشناسان امنیت بین‌المللی می‌گویند که ایران به شکل فوری به پول نقد برای ارتش‌اش نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به پول نیاز دارند تا زرادخانه خود را دوبار پر کنند و در عین حال برای حزب‌الله لبنان نیز سلاح ارسال کنند. در عین حال ایران باید تعهداتش را در قبال توافقنامه‌های خرید سلاح از روسیه نیز عملی کند. به گفته کارشناسان بودجه نظامی ایران فقط از طریق بودجه ملی تامین نمی‌شود و بخشی از نیازهای مالی را نیز خودش تامین می‌کند. برای مثال بخشی از تولید نفت خام کشور در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته‌است که به آنها اجازه داده می‌شود تا منافع حاصل از فروش آن را برای خود نگه دارند. اما تحریم‌های بین‌المللی باعث شده‌است تا فروش این نفت بسیار مشکل شود. به تازگی ایالات متحده آمریکا تحریم‌هایی را علیه شبکه‌ای از شرکت‌های صوری که ایران از طریق آنها اقدام به فروش نفت خام خود می‌کرد، اعلام کرده‌است. در آستانه آغاز سال ۲۰۲۵ نیروهای مسلح ایران دستاوردهای قابل توجهی در این حوزه داشتند. تحلیل‌گران امنیتی می‌گویند که مذاکره‌کنندگان ایرانی توانسته‌اند حدود ۲ میلیارد دلار پول فروش نفت خود را که در چین نگهداری می‌شد، آزاد کنند. وال استریت ژورنال این خبر را برای نخستین بار انتشار داد. این موفقیت احتمالاً ناشی از عملکرد یکی از مدیران گروه سپهرانرژی است که از نوامبر ۲۰۲۳ در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد. علاوه بر این مدیر، خود شرکت سپهرانرژی هم تحت تحریم آمریکا است. آمریکا مدعی است که این شرکت نقش بسزایی در تامین مالی نیروهای نظامی و سپاه پاسداران ایران دارد. مقام‌های امنیتی می‌گویند، مجید الف، همان مدیر سپهرانرژی که توانست پول‌های بلوکه‌شده در چین را آزاد کند، حالا مسئولیت آزاد کردن میلیارد‌ها دلار پول ایران را که نزد کلی‌یر استریم بلوکه شده‌است، بر عهده گرفته‌است. مجید الف و دیگر فرستادگان هیئت ایرانی قرار است به اروپا سفر کنند و به تازگی فرم‌های درخواست ویزای خود را پر کرده‌اند. دعوای حقوقی برای پول‌های بانک مرکزی ایران سال‌ها ادامه دارد. این پرونده شامل دولت ایران، کمپانی کلی‌یر استریم و قربانیان و اعضای خانواده قربانیان حمله ۱۹۸۳ به پایگاه نظامی آمریکایی در بیروت می‌شود. بعد از آنکه سال ۲۰۰۸ دولت آمریکا کلی‌یر استریم را تهدید کرد که در صورت عدم پیروی از تحریم‌ها علیه ایران مجازات خواهد کرد، این شرکت دارایی‌های ایران را بلوکه کرده‌است. دولت ایران از کلی‌یر استریم که زیرمجموعه بورس آلمان محسوب می‌شود در سال ۲۰۱۸ شکایت کرد و خواستار بازگرداندن اصل ۴/۹ میلیارد دلار دارایی ایران به اضافه سود آن شد. بورس آلمان بر اساس گزارش سالانه‌ای که منتشر کرده‌است، اعتقاد دارد که ایران در پرونده شکایت شانس چندانی برای موفقیت ندارد. رقم اولیه این دارایی‌ها حدود ۵ میلیارد دلار بود که سال ۲۰۱۳ معادل ۱/۹ میلیارد دلار از آن به حسابی در ایالات متحده آمریکا منتقل شد تا به بازماندگان و قربانیان انفجار بیروت تخصیص پیدا کند. مبالغ بیشتری هم قرار است برای شکایت‌های آسیب دیگر پرداخت شود. برخی منابع ایرانی گفته‌اند که در حال حاضر تنها حدود ۱/۷ میلیارد دلار از دارایی‌های نزد کلی‌یر استریم باقی مانده‌است. یک سخنگوی کلی‌یر استریم به پاسخ به درخواست ما برای اظهارنظر گفت که این کمپانی نمی‌تواند در مورد دارایی‌هایی که به نیابت از مشتریان‌اش نگهداری می‌کند، اظهارنظر کند. سپهر انرژی و سفارت ایران در برلین حاضر به اظهارنظر در این مورد نشدند.

دیپلماسی



DIPLOMACY

گسره را پوتین هم نمی‌گشاید؟

ارزیابی کارشناسان از میانجی‌گری روسیه میان ایران و آمریکا



عکس: ایرنا

نظر
خواهی

نزدیک‌تر است، همین حالا هم با دولت آمریکا در بالاترین سطح برای موضوع‌های دیگر روابط برقرار کرده‌است. اما دیگران به شدت نسبت به نیت‌ها و منفعت‌های روسیه بر اساس سوابق درازمدت و اخیر (اس-۴۰۰، جت‌های جنگنده و سوریه) بدبین هستند. قدرت‌های اروپایی به خصوص سه کشور اروپایی عضو برجام که تماس‌های خودشان را با ایران برقرار کرده‌اند، ممکن است نگران باشند که اگر این مسیر دیپلماسی جدید پیش برود، مسیر گفت‌وگوی آنها مسدود خواهد شد. «اعط در پایان می‌نویسد: «این واقعیت که ساختار ۵+۱ که برای مدت طولانی نماینده تعامل دیپلماتیک در حوزه هسته‌ای با ایران بود، دیگر وجود ندارد باعث شده‌است که یک خلأ ایجاد شود، این خلأ که گاه با مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا از طریق واسطه‌ها پر شده‌است. اگر فرصت جدید از طریق روسیه شکل بگیرد، ممکن است که از لحاظ شکلی پیشرفتی ایجاد شده باشد، اما باز هم پیشبرد ماهیت و محتوای گفت‌وگوها مشکل خواهد بود.»

در طول سال‌های گذشته روایت‌های متعددی از چگونگی تلاش مسکو در بحبوحه مذاکرات ایران و غرب برای توافق هسته‌ای با هدف مانع‌تراشی در مقابل رسیدن به توافق منتشر شده‌است. برخی از تحلیل‌گران در ایران معتقدند که روسیه همواره ترجیح داده‌است که روابط ایران و غرب شکرآب باشد تا تهران مجبور باشد به مسکو پناه ببرد. در چنین شرایطی در میان بسیاری از تحلیل‌گران ایرانی بدبینی زیادی نسبت به مداخله مسکو در مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا وجود دارد.

برای بررسی این موضوع که حضور روسیه به عنوان میانجی در مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا تا چه اندازه می‌تواند مفید و موفق باشد، از تعدادی از کارشناسان و دیپلمات‌های پیشین نظرخواهی کردیم. نعمت‌الله ایزدی، سفیر پیشین ایران در روسیه، محمود شوری، معاون موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، حیدرعلی مسعودی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و حسن بهشتی‌پور، تحلیل‌گر مسائل اوراسیا به سوالات ما در این خصوص پاسخ داده‌اند.

▼ تعارض منافع مانع میانجی‌گری مفید است

نعمت‌الله ایزدی



سفیر پیشین ایران در روسیه

کشورهایی که منافع مشترک با یک طرف یا هر دو طرف منازعه دارند، خیلی سخت می‌توانند میانجی‌گری کنند. در اینجا موضوع بحث ایران و آمریکا است و طرفی که گفته شده‌است قرار است میان آنها میانجی‌گری کند، روسیه است. مسکو میان ایران و آمریکا هر اقدامی بخواهد انجام دهد، منافع خودش را در نظر می‌گیرد. اگر روابط ایران و آمریکا بهبود پیدا کند، برای روسیه تبعاتی در بر دارد و اگر بهبود پیدا نکند نیز روسیه متأثر می‌شود. در چنین شرایطی کشورهایی که تا این حد تعارض منافع دارند، اهلیت میانجی‌گری بین دو طرف درگیر ندارند. البته این خبر هنوز رسماً تأیید نشده و معلوم نیست که اگر چنین در خواستی مطرح شده باشد، جزئیات آن چیست و چه نقشی قرار است بر عهده روسیه گذاشته شود. اما در هر شرایطی روسیه نمی‌تواند دست‌کم برای ایران میانجی خوبی باشد، شاید برای آمریکا خوب باشد، اما قطعاً برای تهران میانجی خوبی نیست. کشوری که می‌خواهد میانجی شود نباید منافع مشترک با ما داشته باشد. چه در مسائل خاورمیانه و چه در مورد روابط با آمریکا، هر گونه پیشرفتی در سیاست خارجی ایران می‌تواند پسرفت برای روسیه باشد. تردیدی وجود ندارد که اگر روابط ایران و آمریکا بهبود پیدا کند، روابط تهران و مسکو از آن متأثر خواهد شد. به همین دلایل است که من فکر می‌کنم روسیه اصولاً نمی‌تواند میانجی خوبی باشد.

سابقه تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که روسیه تا چه اندازه در این زمینه بد عمل کرده‌است. در دوران هشت سال جنگ ایران و عراق نمایندگان دولت شوروی چندین و چند بار، هم به ایران و هم به عراق سفر کردند و مثلاً اقداماتی برای میانجی‌گری در پیش گرفتند، ولی نتنها هیچ نتیجه‌ای از این تلاش‌های اتحاد جماهیر شوروی مشاهده نکردیم، بلکه وضع بدتر هم شد. دلایل این است که شوروی در آن زمان هم در مورد ایران منافع منفی داشت و هم در مورد عراق، به همین دلیل همواره به منافع خودشان اولویت می‌دادند. طبیعی بود که وقتی چنین منافع وجود دارد، هر چند برخی دولت‌ها و قدرت‌ها تلاش می‌کنند به لحاظ ظاهری اقداماتی را انجام دهند که وجهه مثبتی از خود در روابط بین‌المللی نشان دهند، اما این اقدامات به نتیجه‌ای قابل قبول نمی‌رسد.

اگر قرار باشد مذاکرات ایران و آمریکا از طریق واسطه‌ها انجام شود، باید کشورهایی مسئولیت وساطت و میانجی‌گری را بر عهده بگیرند که منفعت مشترک نداشته باشند. کشورهایی که ضعیف‌تر باشند و قدرت‌های اثرگذار منطقه‌ای و جهانی نباشند، جایگاهی بهتر برای چنین اقداماتی دارند. مثال واضح توفیق کشورهای ضعیف‌تر این است که از زمان تشکیل سازمان ملل متحد تا به امروز، هرگز دبیرکل سازمان ملل متحد از یکی از قدرت‌ها و ابرقدرت‌های جهانی انتخاب نشده‌است؛ دلش هم واضح است، چون اگر نماینده یک قدرت جهانی در جایگاه دبیرکل سازمان ملل متحد قرار بگیرد، بیش از هر چیز به منافع و خواسته‌های آن قدرت جهانی در منازعه‌های بین‌المللی اولویت خواهد داد. در برابر، کشورهای ضعیف‌تر معمولاً منفعت عمومی را در نظر می‌گیرند.

برخی اعتقاد دارند که وقتی اقدام نخست‌وزیر فقید ژاين در میانجی‌گری میان ایران و آمریکا در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ شکست خورد، شاید این بار حرف روسیه در ایران نفوذ بیشتری داشته باشد. اما استراتژی‌ای که ایران تعریف کرده‌است، یک راهبرد مستقل است که نمی‌تواند تحت تأثیر خواست و تمایز روسیه قرار بگیرد. اینکه تصور کنیم اگر به ژاين جواب منفی دادیم، به روسیه جواب مثبت خواهیم داد، تعبیر نابجا و غلطی است. مگر اینکه فرض این باشد که مادر صداقت میانجی‌ها و واسطه‌های قبلی تردید داشتیم. اما من معتقد نیستم که تردیدی در صداقت میانجی‌های قبلی وجود داشته باشد و اتفاقاً اگر ژاين میانجی باشد، از آنجا که منفعت مشترکی

با دولت او را منع کند. حالا خبر می‌رسد که ترامپ هم‌زمان با اعمال فشار علیه تهران، در گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از او خواسته‌است تا در مذاکرات با تهران کمک کند. مقام‌های روسیه گفته‌اند که بحث در مورد پرونده هسته‌ای ایران بخشی از گفت‌وگوهای پیش روی مسکو و واشنگتن خواهد بود. اما معلوم نیست در شرایط کنونی آیا ایران حاضر به پذیرش میانجی‌گری روسیه برای گفت‌وگو با آمریکا خواهد شد یا نه. مسکو چه چیزی را می‌تواند روی میز بگذارد که واسطه‌های دیگر توان ارائه آن را ندارند؟

علی‌اعظم، پژوهشگر اندیشکده گروه بین‌المللی بحران در واکنش به خبر درخواست آمریکا از روسیه برای میانجی‌گری در مذاکرات با ایران می‌نویسد: «از اواسط سال ۲۰۲۲ که مذاکرات احیای برجام شکست خورد مانع جدی در مقابل همکاری آمریکا و روسیه در مورد ایران وجود نداشت. مسکو به عنوان یک میانجی بین واشنگتن و تهران یک مزیت و چندین مشکل بالقوه دارد. این کارشناس ادامه می‌دهد: «از اواسط ۲۰۲۲ نزدیک‌تر شدن روابط ایران و روسیه از دیدگاه قدرت‌های غربی یک مسئله با حاصل جمع صفر تلقی می‌شد. همکاری‌های پهنای و موشکی اصلی‌ترین مایه نگرانی بود، در عین حال روسیه با قطعنامه‌های محکومیت در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مخالفت می‌کرد و گزارش شده بود که به حوثی‌ها هم کمک می‌کند.» واعظ می‌نویسد: «اینکه گزارش شده دونالد ترامپ سراغ مسکو رفته‌است، یک اقدام قابل توجه است و با نیت او برای رسیدن به یک توافق صلح هسته‌ای قابل راستی آزمایی همسو به نظر می‌رسد. اما در تهران با توجه به سخنرانی رهبر ایران در ماه گذشته، نگرش نسبت به مذاکره با آمریکا بدون توجه به اینکه چه کسی میانجی‌گری کند، مثبت نیست.» این پژوهشگر ادامه می‌دهد: «براساس گزارش بلومبرگ، لاوروف هفته گذشته موضوع را با جمهوری اسلامی ایران در میان گذاشته‌است، از آن جهت که هیچ تحول علنی در موضع ایران رخ نداده‌است یا به این دلیل است که آنها با اصلاً قصد ندارند مذاکره کنند یا اینکه شرایطی که برای مذاکره تعیین شده است از نظر آنها حتی برای بررسی هم قابل قبول نیستند. با این حال خیلی زود است که بتوانیم ارزیابی کنیم. در هر صورت واسطه‌ها فقط می‌توانند شرایط را فراهم کنند، اما نهایتاً این دو طرف مذاکره هستند که دیدگاه‌ها و مواضع‌شان نتیجه نهایی را تعیین می‌کند. در تهران ممکن است این تصور وجود داشته باشد که مسکو بهترین کارچاقی کن است؛ متحدی که از اغلب کشورها به ایران

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



نزدیک به ۳۰ ماه از آخرین دور مذاکرات ایران و ۴+۱ و به شکل غیرمستقیم آمریکا برای احیای برجام می‌گذرد. هر چند روایت‌ها از آخرین دوره‌های مذاکرات ایران و کشورهای عضو برجام و آمریکا در دوره دولت سیزدهم، حاکی از قرار گرفتن در آستانه توافقی برای احیای برجام بود، اما با شکست آن مذاکرات امیدها برای احیای برجام کاملاً نقش بر آب شد. از تابستان ۱۴۰۱ تا به امروز هر ساعتی که می‌گذرد، ایران و غرب از توافقی دورتر می‌شوند و به آستانه بحران جدی‌تر در پرونده هسته‌ای ایران نزدیک‌تر می‌شوند. تحولات متوالی باعث شدند که طرف‌ها از توافقی دورتر شوند. علنی شدن استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در جنگ علیه اوکراین، ناآرامی‌های گسترده داخلی در ایران، افزایش روزافزون ذخایر اورانیوم غنی شده با غنای بالا در ایران، آغاز جنگ غزه و انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، همگی تحولاتی بودند که ایران و غرب را از یک توافق برای حل و فصل پرونده هسته‌ای دور کردند. نزدیک به ۷ ماه دیگر، مهلت ۱۰ ساله قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد به پایان می‌رسد. معنای انقضای این قطعنامه این است که ۶ قطعنامه تحریم بین‌المللی علیه ایران که در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تصویب شده بودند، برای همیشه لغو خواهند شد. اما تا آن زمان، سه کشور غربی باقی‌مانده در برجام، همچنان یک اهرم فشار علیه ایران دارند. اگر سه کشور اروپایی باقی‌مانده در برجام اراده کنند که تا پیش از مهرماه سال ۱۴۰۴ از مکانیسم حل اختلاف برجام برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کنند، این امکان وجود دارد که ۶ قطعنامه شورای امنیت مجدداً علیه ایران اعمال شود. چنین تحولی برای ایران بسیار درنکات خواهد بود، چرا که به بخش بزرگی از تحریم‌ها و خصوصت‌هایی که در ۶ سال گذشته به صورت یکجانبه از سوی آمریکا اعمال می‌شد، مشروعیت بین‌المللی خواهد داد.

دونالد ترامپ هم مانند سلفش جو بایدن، با ادعای تلاش برای رسیدن به توافقی با ایران کار خود را آغاز کرده‌است. اما اقدام او در امضای یادداشت ریاست جمهوری برای احیای کارزار فشار حداکثری علیه ایران، باعث شد تا جمهوری اسلامی در بالاترین سطح مذاکره